



مدیریت جهانی حقوق فرهنگی زنان در هخامنشیان

نویسنده میلاد گروسی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی تهران

چکیده

وضعیت زنان ایرانی، در تمامی دوران تاریخ حقیقی ایران، متغیر و متفاوت بوده، فمینیستی و فمینیست ها (متأسفانه گرایش غالب)، حجاب و ... باعث باستان‌گرایی نیز می شود به این معنی که قائل به دوره‌ای طلایی و اندیشه‌ای عالی و والا که باید به همان بازگشت. قدیمی‌ترین سندی که درباره‌ی حجاب زنان در تمدن بین‌النهرین مربوط به قوانین جامعه‌ی آشور (۳۲۲۴ سال پیش) است؛ متن قانون آشوری این محدودیت را برای همه‌ی زنان بجز روسپیان (جهی) Hetairai (بقول هرودوت) و خدمتکاران الزامی می‌داند؛ ادیان و حقوق فرهنگی از هر نوعی که باشند باز به پایداری و ثبات: پندار نیک – گفتار نیک – کردار نیک نمی رسند و نخواهند رسید گو اینکه زنان دربار و اشراف هخامنشی تکریم والایی داشتند. حکومت دولت ها و جامعه با تحمیل نمی چرخد بلکه مناسبات مثبت ملی و بین المللی، تعامل و پیشرفت را به همراه دارد: درآمیختگی فرهنگی نوعی از آن است.

واژگان کلیدی: زنان، تاریخ حقیقی، حقوق فرهنگی



مقدمه

سراسر توأم با صلح، عدالت و آرامش است سخنان مکتوب پیامبر کوروش: منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه دادگر، شاه بابل، شاه سومر و اکد، پسر کمبوجیه ... آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم، مردوک (مردوخ = خدای بابلیان)، دل های پاک مردم بابل را متوجه من کرد زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم. ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل گردید. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید. آن ها را از زیر یوغ اسارت خارج نمودم، به بدبختی های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم: که هیچ کس، اهالی شهر را از هستی ساقط نکند، همه مردم در پرستش خدای خود آزاد و کسی آنان را نیازارند. خدای بزرگ از کردار من خشنود شد. او برکت و مهربانیش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی، مقام بلندش را ستودیم؛ همه شهرهایی را که ویران، از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایش گاه هایی را که بسته شده بود، بکشایند. همه مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به سرزمین خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را آباد کردم، باشد که دل ها شاد گردد و هر روز در پیشگاه خدای بزرگ، برایم زندگانی بلند خواستار باشند. برای همه مردم، جامعه ای آرام مهیا و صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا نموده ام بسیاری از موارد اعلامیه جهانی حقوق بشر برگرفته از منشور کوروش هست.

حقوق و جایگاه ارزشمند زنان در ایران باستان

۱۸۷۹ م بابل در میان رودان بین النهرین اور، کتیبه ی استوانه گل پخته (سنگ بنای یاد بود) نویسنده ۴۰ خط میخی به زبان آکادی (سطور ۳۶ تا ۴۳) از کوروش کبیر (۲۵۶۳ سال قبل) پس از شکست بخت النصر، قوم یهود را نیز از اسارت حکومت بابلی ها آزاد و با گشودن شهر بابل، با اعلان اینکه پادشاه ایران و پادشاه بابل و پادشاه کشورهای اطراف ایران است، تاجگذاری و با احترام ویژه در معبد مردوک یا مردوخ خدای بزرگ بابل، حقوق منشور آزادی جهانی بشر (کهن ترین و نخستین سند کتبی از دادگستری و مراعات حقوق بشر در تاریخ: اعلام عفو عمومی و آزادی حتی اسراء و آزادی ادیان بومی با شناخت و رسمیت، عدم بردگی در تمامی گروه ها، منع هر گونه تجاوز به مال و جان مردم، بازگرداندن خانه ی ساکنین پیشین سرزمین ها، اجازه نقل مکان و زندگی آزاد) را خواند که بخشی از لوحه مربوط به نبونید پادشاه بابل بود و اجرا کردند؛ آنقدر قوی که با رد موهومات دوران باستان به نحوی معنوی و صریح باعث گردید که سازمان ملل متحد ۱۹۷۱ اولین حقوق بشر جهانی (کوروش کبیر) را به تمامی زبان های رسمی منتشر نمود. زنان هخامنشی در تیراندازی و اسب سواری ماهر بودند؛ پادشاهان پر افتخار زن: ماندانا، کاساندان، فیدیمه، آتوسا، آرتیستون، رته بامه، پارمیس، آماستری یکم، داماسپیا، پروشات، استاتیرای یکم، آماستری دوم و استاتیرای دوم. از فردوسی در شاهنامه اش نیز باید فرانک، گردآفرید، منیژه و ... را نام برد.

«گزننفون» یونانی در جواب اینکه به شرقی ها بربر می گفتند^۱ و اینکه ما: یونانی ها برای شرافت می جنگیم؛ خوب می دانست که کوروش: آری هر حکومتی برای نداشته هایش می جنگد. خواجه سازی های درباری یا اخته Eunuch (از واژه ی یونانی Eunoukhos یعنی نگهبان تخت خواب) از کودکی یا محافظ آهنی برای آلت زنانه (که کلید هم شوهرانشان با خود به جنگ می بردند) نیز از تمدن های غیر بعضاً روم، جهت عدم دست درازی به زنان هایشان باب و رایج شد نه در حکومت های ایران. برخلاف اوضاع ایران، یونانی ها به آزادی روابط جنسی حساسیت نداشتند جالب اینکه حتی موضوع صیغه Pallakai^۲ خدمتکاران و چند همسری از ابتدا به ساکن تاریخ ایران تا اواخر دولت اردشیر ساسانی مطرح نبود بلکه مردان هخامنشی (الگوی اول) از زنان قانونی Hai Gametai یا Gynaikes^۳ خود به شدت مراقبت و حفظ می داشتند.

^۱ پلوتارک تاریخ نگار یونانی

^۲ به قول هرودوت

لواط، زنده به گور کردن دختران، بهایی معین برای دختران و زنان مانند اموال (برده فروشی جنسی)، شوهرگزینی در ۹ سالگی دختر یا کودک همسری، کشتن (زنان و حتی حیوانات)^۴، بدون محدودیت و اجازه اخذ زنان متعدد، به بردگی فروختن، کنیز زرخرد، از خود (پدر) ندانستن (یا عاق کردن)، شکنجه دادن و رها کردن و سر راه گذاشتن زنان و فرزندان، فروش زن بدلیل فقر و ناتوانی مرد یا ناباروری زن، اجاره رحم، ازدواج با محارم (حتی با رضایت و یا نارضایتی زوجه)، کمیت و کیفیت حق‌الارث دختر؛ نه تنها دستوراتی شبیه این‌ها در میان ادیان دیگر دیده شده بلکه جملگی نیز منتسب به تمام حکومت‌های تاریخ حقیقی ایران نبوده و نیست. حضرت محمد (ص) و امامان بخصوص امام حسین (ع) در تمامی ابعاد، دو عالم را دچار تغییر و تحول مثبت نموده اند طوری که آثار اعمال اجتماعی، حقوقی و فرهنگی به آینده‌ها نیز تسری خواهد یافت و نباید قداست آل طاهره، مخلوط (سوء استفاده) حکومت‌ها گردد.

همچون گذشتگان اما بعضاً در عرف‌های محلی کنونی کشورهای آسیایی مرکزی، زناشویی در یک خانواده، جز خرید و فروش دختر مفهومی نداشت. دختر را جزء اموال بهادر می‌دانستند. قیمت دختر را شوهر به پدر می‌پرداخت و اگر پدر از طبقه‌ی روحانی، به مادر می‌رسید. چنانچه پدری پس از پذیرفتن هدایای خانوادگی خواستگار از دادن دختر امتناع داشت مکلفاً دو برابر هدایا را مسترد نماید. تعدد زوجات و طلاق به وسیله‌ی شوهر مجاز بود. هرگاه شوهری زن خود را بی‌آن‌که نفقه بدهد ترک می‌کرد و طلاق نمی‌داد، زن به علت تنگدستی می‌توانست شوهر دیگری اختیار کند. فرزندان زن دوم ابتدا با فرزندان زن اول به تساوی ارث می‌بردند ولیکن بعداً دو ثلث ماترک پدر حق خانوادگی اول می‌شد. اگر زوج به زوجه‌ی خود بگوید تو زن من نیستی بر اوست که فلان مبلغ سیم در قبال این جدایی به زن بپردازد.

روابط خانوادگی: یکی از قدیمی‌ترین و مشخص‌ترین نشانه‌های هر قوم و نژاد، روابط خانوادگی آن قوم و نژاد است زیرا برای بنای یک سازمان اجتماعی، نخستین گام تشکیل خانواده بعد پیدایش قبایل و ملت‌ها که از ترکیب خانواده‌ها به وجود آمده هست. سازمان خانواده‌ها در حکم الگویی برای اداره‌ی امور طوایف و حکومت در واحدهای وسیع‌تر اجتماعی یعنی کشورهاست. در این‌گونه سازمان‌ها دیر زمانی واحد را خانواده می‌دانستند و اموال بیشتر متعلق به خانواده بود نه افراد خانواده. رئیس خانواده به جمیع اعضاء خانواده حکومت مطلقه داشت و دولت متبوعه، اقتدار او را به رسمیت می‌شناخت. بنابراین نزد اقوام و امم اولیه در مقام مقایسه با اقوام و امم پیشرفته نه تنها قوانین مربوط به روابط خانواده اهمیت بیشتری داشته بلکه از حقوق نخستین که در قالب و به صورت معین قوام و دوام یافت، همین روابط خانواده می‌بود. قوانین نکاح و حقوق و تکالیف اعضا خانواده، نمودار آداب و رسوم و رفتار و کردار نژادهای مختلف نیست.

به موجب قانون حمورابی بعضی از آداب قبیله‌ای (خونخواهی و انتقام‌جویی و کینه‌توزی و زناشویی از راه ربودن و اسیر کردن و به غنیمت بردن دختران) منسوخ شد. نظارت شدید در امر دادرسی برقرار گردید. مرجعیت نهایی، پادشاه را به رسمیت شناختند. زن از قید اسارت رهایی و قانون تا اندازه‌ای برای مقام و حیثیت او احترام قائل شد مثلاً زن اختیاردار اموال خود و هیچ زنی در هیچ‌یک از اقوام و امم دیگر به اندازه‌ی زن بابلی اختیار اموال خود را نداشت.

نگاره‌های زنان پیش از تاریخ، هخامنشی و اشکانی، با انبوهی از نقش‌های زنانی باشکوه و قدرتمند به دیده می‌آید. زن ایرانی در دوره‌ی هخامنشی به یکی از بهترین جایگاه‌های شایسته‌ی شأن خود دست می‌یابد. داشتن شخصیت حقوقی و مالی مستقل، حقوق و امتیازهای برابر با مردان و گاه (در امور خاص زنانه) بیشتر از آنان، مدیریت و سرپرستی بنگاه‌های بزرگ کشاورزی و صنعتی در جامعه‌ای تک‌همسری، تنها نمونه‌هایی کوتاه از آن است و زنان حق تقاضای طلاق و حق تصرف جهیزیه خود را داشته‌اند. بررسی دقیق لوح‌های دیوانی تخت‌جمشید نشان می‌دهد که زن در زمان فرمانروایی داریوش بزرگ از چنان مقامی برخوردار بوده که در میان همه‌ی خلق‌های جهان باستان نظیر نداشت.

نگاره‌های ساسانی نیز از نگاه رایج ساسانیان به زن حکایت می‌کند که بر جام‌ها و موزائیک‌ها بر جای مانده هست. وضعیت پایدار و مطلوب حقوق زنان در دوره‌ی ساسانیان (بنحوی که با آرایش مناسب و عدم تظاهر زیور، حجاب کامل و پوشش یکدست سر تا پا در انظار همگان ظاهر می‌شدند) که ویژگی‌های یک زن خوب از دید خسرو را باز می‌گوید اما حاکمیت و قدرت بلامنازع و مهار نشده و

^۴ حضرت محمد (ص): هر حیوانی که به ناحق کشته شود، روز قیامت از قاتل خود شکایت می‌کند.

منفعت موبدان (مانند موبد بزرگ عصر شاپور دوم) که خود را نمایندگان تام‌الاختیار خداوند بر روی زمین می‌دانستند و با اتکای به همین مشروعیت و با نام دین و خدا و پیامبر، پیروان تمامی ادیان و مذاهب را به نام کافر و فساد کننده بر روی زمین کشتند (عین مثل حکومت های تازه به دوران رسیده فعلی یا در حال توسعه) و نیایشگاه‌های آنان را به نفع آتشکده‌های درباری ویران کردند. آسیبی که از خشکاندیشی و خشونت‌های آنان به ایران زمین رسید و هنوز می‌رسد (زنان را عامل اصلی انحراف مرد از وظایف دینی می‌دانند)، نه تنها موجب گسست فرهنگی و اجتماعی مردمان ایرانی و ضعف آنان در برابر نیروهای مهاجم شد، بلکه بیش از هر چیز به آیین و اندیشه‌های پیامبر ایران، آسیب‌ها وارد ساختند؛ حالیه این اوضاع در میان همگان مقبولیت نیافت و همچنین هیچ نقطه‌ضعفی برای جامعه زرتشتی ایران بشمار نمی‌آید. زرتشتیان خود بیش از دیگران از سخت‌گیری‌ها و خشونت‌ها و قوانین فقهی ساختگی موبدان ساسانی آسیب دیده‌اند. قوانین و مقررات که هیچ ارتباطی با پیامبر زرتشت نداشته و تنها از نام پر آوازه او برای پیدایی و رواج دینی به نام او سوءاستفاده‌ها کرده بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در تاریخ بدنبال الگویی برای حقوق و موقعیت زنان نگردیم؛ تلاش کنیم تاریخ را به سهم خودمان بسازیم. ریشه‌ی بسیاری از عینیات رخداد واقعی به نارضایتی‌های از وضع موجود اجتماعی و اقتصادی بر می‌گردد. ابدأ نباید تلاش برای سیاه یا سفید جلوه دادن وقایع تاریخی نمود که آثار و بازتاب آن به خودمان بر می‌رسد. گرایش‌ات و روندهای غالب هست اما تاریخ همه یا هیچ نیست. جدا و طرد کردن زنان از اجتماع، در هیچ جامعه‌ای ممکن نیست و نشده است. فقط تاریخ حقیقی را باید جستجو، مطالعه، تفکر و عمل نماییم نه تاریخ واقعی که دست قلمش بشکند که هر طور که می‌خواهند به اقتضای منافع و سیاست خود می‌نویسند و جوانب دروغ، دزدی، تخریب و وحشی‌گری را ترویج می‌دهند. هروdot، پلوتارک و ... نیز با کج فهمی فقط راه تاریخ واقعی کاذبی را در پیش گرفتند. زن؛ ابزار، موجود، جنس دوم، اهریمن، برای زایمان، شرور، ناقص‌العقل، نادیده و ... نیست؛ زن انسان است که خالق تمام زیبایی‌های درونی و بیرونی پر دامنه‌های آن، خداست پس اراده خدا قبل از هر چیزی وجود حوا در کنار آدم بوده تا زندگی جسم و روح تکامل یابد نه چیزهای دیگری که دولت‌ها وضع و منع می‌کنند. طبق آیات ۲۵۶ بقره (لا إكراه فی الدین)، ۳۱ نور، ۵۹ احزاب و ۴۶ اعراف، حجاب بر زنان واجب هست اما اجبار و الزامی نیست و اختیار هم مد نظر قرار گرفته است. مقاومت و سرسختی زنان در برابر ظلم و ستم (زندانی، تجاوز و اعدام و ...) و نابرابری‌ها همواره قابل ستایش و در خور عمل به خواسته‌های رسمی، اخلاقی و دینی آنهاست. به بی‌نهایت اثبات شده که پول و ثروت نامشروع، قدرت می‌آورد، قدرت باعث زورگویی و بی‌بند و باری می‌شود و کم نیستند صاحب منصبانی که با همین شیوه زوجات را اختیار کردند چرا که با امکانات مالی، امکان نگهداری از آنان را داشتند. بهترین راه حل ممکنه اینکه با مطالعه تاریخ حقیقی ایران و دنیا، با ترکیب موارد مثبت حقوقی، فرهنگی و اجتماعی و ... آن جامعه را بررسی و مطالعه و در دنیای ارتباطات کنونی اجرا نمود زیرا که شرایط مردم کره زمین فی الحال نیاز پیوستگی، همبستگی و همراهی را می‌طلبد. متأسفانه به طور عموم به ویژگی‌های صورت و اندام و جاذبه‌های زنانه در جوامع می‌نگرند البته در این موارد زنان نیز به دلیل رابطه تسبیح، مسئولند. فرزندخواندگی همواره در طول تاریخ تاکنون به دلایل احساسی، ژنتیکی و نیاز زوجین (ناباور) و ... به رسمیت شناخته شده است.



منابع

- لوح در موزه لندن انگلیس
موزه دانشگاه Yale آمریکا
منشور حقوق بشر کوروش
اعلامیه جهانی حقوق بشر
منشور سازمان ملل متحد
حقوق بشر جهانی
قرآن الله
کتابهای دینکرد پهلوی (به ویژه کتاب سوم، ترجمه فریدون فضیلت)، ماتیگان هزار دادستان (آناهیتا پریخانیان، چاپ ایروان)، اندرزهای آذرباد
مهرسپندان (رهام اشه)، کتاب ارداویرافنامه، شایست نشایست، مجموعه متون اوستایی و دیوداد (وندیداد)، روایت امید اشه وهیشتان
برده و برده داری دانشنامه ایرانیکا
کتاب پهلوی بندهش، مهرداد بهار، بخش نهم، درباره چگونگی زنان
فرهنگ لغت دهخدا و عمید
شاهنشاهی ساسانی، تورج دریایی، ترجمه مرتضی ثاقب فر
شاهنامه فردوسی
متون پهلوی، خسرو قبادان و ریدگی، سعید عربان

Global management of women's cultural rights in the Achaemenid period

Author Milad Garousi

Master's student of International Law, Islamic Azad
University, Tehran Electronic Department

Abstract - ۱-۱

The situation of Iranian women has been variable and different throughout the real history of Iran, feminists and feminists (unfortunately the dominant tendency), hijab, etc. also cause archaism, which means that they believe in a golden era and a great and noble thought that Must return to the same. The oldest document about women's hijab in the Mesopotamian civilization is related to the laws of the Assyrian society (3224 years ago). The text of the Assyrian law considers this restriction mandatory for all women except prostitutes (jehi), Hetairai (according to Herodotus) and servants; Whatever kind of religions and cultural rights they are, they do not and will not achieve stability and stability: good thoughts, good words, and good deeds. The governance of governments and society does not revolve around imposition, but brings positive national and international relations, interaction and progress: cultural integration is a type of it.

Keywords: - ۱-۲

Women, Real history, Cultural rights